


سرپرستی خانواده با نگاه به آیه 34 سوره نساء محمدعلی مروی

درجه علمی: علمی-ترویجی

نویسندگان: محمدعلی مروی (fa/article/author/90105/)
منبع: معرفت 1386 شماره 122 (fa/article/journal-/
number/13235/%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%D8%AA-1386-
(%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%87-122

کلید واژه ها: 

(fa/tag/3458/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82/) حقوق

(fa/tag/388/%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86/) زنان

خانواده
(fa/tag/322/%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%AF%D9%87/)

(fa/tag/1154/%D9%85%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D9%86/) مردان

سرپرستی
tag/691/%D8%B3%D8%B1%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D8%AA%DB%8C/)

قوامیت
(fa/tag/690/%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%AA/)

(fa/tag/21680/%D8%B3%D9%84%D8%B7%D9%87/) سلطه

حوزه های تخصصی:

✓	سال ۱۳۸۰ (۱۲)
✓	سال ۱۳۷۹ (۷)
✓	سال ۱۳۷۸ (۵)
✓	سال ۱۳۷۷ (۴)
✓	سال ۱۳۷۶ (۴)
✓	سال ۱۳۷۵ (۴)
✓	سال ۱۳۷۴ (۴)
✓	سال ۱۳۷۳ (۴)
✓	سال ۱۳۷۲ (۴)
✓	سال ۱۳۷۱ (۳)

چکیده

مسئله «سرپرستی خانواده» از جمله مباحث مهمی است که در همه نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی اسلام مورد توجه قرار گرفته و آیاتی از قرآن درباره آن نازل شده است. از دیدگاه صاحب‌نظران مسلمان در حقوق خانواده، ریاست مرد بر خانواده پذیرفته شده است، اما در محدوده این ریاست و نیز در شرایط آن و در علل انتخاب مرد به عنوان رئیس خانواده اتفاق نظر وجود ندارد. این مقاله با نگاهی به آیات قرآن، درصدد تبیین معنا و مفهوم این ریاست و نیز بیان محدوده آن است. به نظر نگارنده، مراد از «قوامیت مردان بر زنان» در آیه 34 سوره نساء، مسئول بودن و سرپرستی ایشان نسبت به زنان در چارچوب مسائل خانواده است.

متن

از مباحث مهم و مورد توجه در تمام نظام‌های حقوقی جهان، بحث «سرپرستی خانواده» است. خانواده، که می‌توان آن را اولین و کوچک‌ترین جامعه‌ای دانست که به دست انسان به وجود می‌آید، مانند همه جوامع خرد و کلان دیگر، نیازمند سرپرست و رئیسی است که امور آن را سامان بخشد و در مواقع گوناگون، با تصمیم‌گیری صحیح، مشکلات آن را برطرف سازد. اما نکته اساسی و مهم این است که ریاست و سرپرستی آن با چه کسی است؟ آیا مرد یا زن و یا هر دو ریاست آن را بر عهده دارند؟

آنچنان‌که تاریخ حیات بشر نشان می‌دهد، در ادوار گوناگون زندگی بشر و در جوامع گوناگون، به دلایل متعدد، این ریاست متغیّر بوده است. هرچند غالباً مردان مدیریت خانواده را بر عهده داشته‌اند، اما خانواده گاه مردسالار و گاه مدرسالار بوده و کمتر اتفاق افتاده که هر دو با هم ریاست خانواده را بر عهده داشته باشند.

اما آنچه در این باره مهم است، آن است که دیدگاه اسلام و نظام حقوق خانواده در اسلام را در این مورد بدانیم که:

1. آیا اسلام مدیریت و سرپرستی خانواده را به مرد سپرده است یا به زن؟
2. اساساً معنای این ریاست چیست؟
3. معنای «قوامیت مردان بر زنان» چیست؟
4. حدود این ریاست و سلطه تا کجاست؟
5. علت این انتخاب و ملاک انتخاب مرد به عنوان رئیس خانواده چیست؟
6. آیا این ریاست دائمی است یا می‌تواند تغییر کند؟

بدون شک، برای رسیدن به نظر اسلام در این خصوص، قرآن مهم‌ترین منبع برای استخراج و استنباط احکام اسلامی مورد اتفاق همه مسلمانان است و در قرآن می‌توان گفت: آیه 34 سوره نساء تبیین‌کننده دیدگاه قرآن درباره سرپرستی خانواده است که محور بحث این نوشتار نیز همین آیه است.

اهمیت بحث درباره آیه

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُسُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء: 34)؛ مردان سرپرست زنانند به دلیل

آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و (نیز) به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند. پس زنان درستکار فرمانبردارند و به پاس آنچه خدا (برای آنان) حفظ کرده اسرار (شوهران خود) را حفظ می‌کنند. و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید (نخست) پندشان دهید و (بعد) در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و (اگر تأثیر نکرد) آنان را بزیند، پس اگر شما را اطاعت کردند (دیگر) بر آنها هیچ راهی (برای سرزنش) مجوید که خدا والای بزرگ است. پیش از تبیین مراد آیه، توجه به این نکته مهم است که آیه مذکور از سه جهت دارای اهمیت فراوان است که حساسیت بحث درباره آن را بیشتر می‌کند: الف. این آیه از پر دامنه‌ترین آیات حقوقی قرآن است که در فقه اسلامی نیز به آن توجه بسیاری شده و در مسائل گوناگون، مورد استدلال فقها قرار گرفته است، مثلاً:

1. در مسئله حاکم شدن زنان در جامعه و به دست گرفتن اداره جامعه؛
2. در مسئله قضاوت زنان در جامعه اسلامی؛
3. انجام فعالیت‌های اجتماعی و حضور فعال زنان در مشاغل گوناگون در جامعه؛
4. سرپرستی و ریاست خانواده که خود شامل بحث‌های مهمی همچون نفقه، حضانت کودکان، حق طلاق، تبعیت زن از مرد در محل سکونت، ولایت قهری بر اطفال و بسیاری مباحث دیگر است.
- ب. دومین وجه اهمیت این آیه آن است که در قانون مدنی ایران هم، که در حقوق خانواده بیشتر برگرفته از فقه اسلامی است، تأثیر فراوان داشته و موادی از قانون مدنی به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اساس این آیه نوشته شده است. برای مثال:

1. ماده 1105: در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است.
 2. ماده 1114: زن باید در منزلی که شوهرش تعیین می‌کند مسکن نماید، مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.
 3. ماده 1117: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانواده یا حیثیت خود یا زن باشد، منع کند.
 4. ماده 976: هر زن تبعه خارجی، که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود.
 5. ماده 1005: اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است.
- حقوق‌دانان این مواد قانونی را مبتنی بر آیه 34 سوره نساء دانسته‌اند. 1

ج. سومین وجه اهمیت آیه 34 سوره نساء آن است که منتقدان و مخالفان نظام فقهی و حقوقی اسلام در نقد مبانی حقوقی اسلام، توجه خاصی به این آیه کرده‌اند و برای اثبات مدعای خود، که اسلام را دینی زن‌ستیز و مردسالار می‌دانند، به این آیه استشهاد نموده‌اند. نگاهی کوتاه به مقالات، کتب، سخنرانی‌ها و یا مصاحبه تمام کسانی که تحت عنوان دفاع از حقوق زنان و در غالب سازمان‌های بین‌المللی یا سازمان‌های غیردولتی (N.G.O) و یا به صورت مستقل مطرح شده است، نشان می‌دهد که آنها حملات خود علیه نظام حقوقی اسلام را بیشتر مبتنی بر همین آیه و تفسیر سنتی آن کرده‌اند. حتی پیروان دیگر ادیان در حمله علیه اسلام و متهم کردن اسلام به برخورد ناعادلانه با زنان، به همین آیه استشهاد کرده‌اند.²

دیدگاه برخی عالمان و مفسران به آیه

آیه مورد نظر با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌اش، مورد توجه تمامی مفسران و عالمان اسلامی بوده است. در ذیل، به اجمال، به برخی از دیدگاه‌های آنان و سپس به مدلول آیه اشاره می‌شود. درباره شأن نزول آیه گفته‌اند: آیه درباره سعد بن ربیع بن عمر و زنش حبیبه نازل شده است که سعد همسرش را به دلیل نافرمانی کتک زد، حبیبه هم به اتفاق پدرش خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و شکایت کرد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حکم به قصاص فرمود. اما هنوز آنها نرفته بودند که جبرئیل نازل شد و این آیه را بیان نمود و پیامبر فرمود: ما چیزی اراده کردیم و خدا چیز دیگری اراده کرد و آنچه خدا اراده کرده بهتر است و قصاص را رفع کرد.³

اما مرحوم علامه طباطبائی این شأن نزول را مردود می‌داند و می‌نویسد: این داستان با عصمت پیامبر مخالف است؛ چراکه آیه حکم پیامبر را باطل نموده و ایشان را تخطئه کرده است و در واقع، بیان داشته که پیامبر در تشریح خود، اشتباه نموده و این با عصمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله منافات دارد.⁴

هرچند دیدگاه‌های مختلفی در این آیه ارائه شده است، ولی در مجموع، دو دیدگاه کلی درباره آیه وجود دارد:

الف. گروهی معتقدند: آیه بیان‌کننده سلطه و قوامیت مردان بر زنان است و این قوامیت بر تمام شئون زندگی زن است و مرد سلطه کامل بر زندگی همسر خود دارد.

وهبه زحیلی در الفقه الاسلامی و ادلته، برخی از حقوق شوهر را چنین ذکر می‌کند:

1. اطاعت از شوهر و تمکین و عدم خروج از منزل بدون اذن شوهر؛
2. حفظ اموال و فرزندان شوهر؛
3. حق تأدیب زن در صورت عصیان او؛
4. همراهی شوهر در مسافرت؛
5. معاشرت نیکو داشتن با همسر.

برخی از مفسران شیعه همچون علامه طباطبائی و شیخ طوسی در تبیان، و طبرسی در مجمع‌البیان، و نیز بیشتر فقها و مفسران اهل سنت هم می‌گویند: مفاد آیه این است که مردان بر زنان حاکمیت و سلطه دارند و این سلطه بر تمامی شئون زندگی زن است و به عبارت دیگر، مرد سلطه کامل دارد. 6. مرحوم علامه این سلطه را به واسطه قدرت و قوت فکر و تعقل و افزونی نیروی بدنی مرد می‌داند. 7.

ب. در مقابل گروه دیگری می‌گویند: اگرچه آیه مذکور ریاست خانواده را به مردان سپرده، اما محدوده این ریاست تنها امور زناشویی و زندگی خانوادگی است و مردان تسلط دیگری بر زنان ندارند. به عبارت دیگر، این سلطه درباره شوهران بر زنانشان، آن هم در قلمرو زندگی خانوادگی است. 8. جمال محمد فقهی رسول، در زن در اندیشه اسلامی می‌نویسد: سرپرستی مرد از دیدگاه اسلام، بر دو نقطه استوار است:

1. جنبه فطری، که مراد توانایی‌ها و برتری‌های بدنی و روحی مرد است، که در این خصوصیات، مرد بر زن برتری دارد و مردها دارای بنیه کامل و عقل غالب بر عاطفه هستند.
2. جنبه اکتسابی، که مردها با دادن نفقه زن بر امور زندگی سلطه می‌یابند. البته او می‌افزاید: روح آیه 34 سوره نساء می‌رساند که ولایت مرد بر زن در ادامه ولایت پدر است و فقط شامل همان ولایت‌هایی است که پدر بر دختر دارد. 9.

علامه جعفری اداره خانواده را به چهار صورت تصویر می‌نماید:

1. زن و مرد سرپرستی خانواده را بر عهده بگیرند.
2. زن سرپرست خانواده باشد.
3. خانواده پدرسالار باشد.
4. نظام شورایی با سرپرستی مرد که ایشان این حالت را برای اداره منزل شرط با اهمیتی می‌داند. ایشان نظام خانواده را در اسلام، نه مادرسالار و نه پدرسالار می‌داند، بلکه آن را انسان‌سالار معرفی می‌کند. 10.

بدین‌سان، پاسخ سؤال اول روشن شد و معلوم گردید که غالب دانشمندان مسلمان با تکیه بر آیه مذکور، قوامیت و ریاست مردان بر زنان را پذیرفته‌اند. حال مهم است که بدانیم معنای این ریاست و قوامیت چیست و حدود این ریاست تا به کجاست.

پاسخ به این سؤال با مراجعه به آیه و دقت در واژگان آن روشن می‌شود. از این‌رو، در ادامه معنای چند واژه در آیه مذکور بررسی می‌شود:

بررسی واژگان آیه

الف. مراد از «الرجال» و «النساء»

معنای لغوی دو واژه «الرجال» و «النساء» تقریباً روشن است که به معنای مردان و زنان است؛ ولی مقصود از این دو واژه در آیه روشن نیست و مفسران و فقها درباره آنها اختلاف نظر دارند.

برخی الف و لام در «الرجال» و «النساء» را الف و لام جنس دانسته و گفته‌اند: مقصود از رجال و نساء در این آیه جنس مرد و زن است.

شیخ طوسی در تبیان همین قول را قبول کرده است. ایشان با بیان شأن نزول آیه می‌فرماید: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»؛ یعنی مردان نسبت به تأدیب و تدبیر امور زنان، قیّم آنها هستند که خداوند مردان را از نظر عقل و رأی (درایت)

نسبت به زنان فزونی و برتری داده است. 11

نیز مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان معتقد است: معنای آیه این است که مردان بر زنان مسلط هستند و قوامیت دارند و سرپرست آنان در تدبیر زندگی و تربیت و تعلیمشان هستند. 12

علامه طباطبائی معتقد است: در آیه، قوامیت مردان بر دو علت مبتنی شده است:

1. اینکه خداوند به مردان برتری‌هایی داده است که آنها را نسبت به زنان قیّم می‌گرداند.

2. اینکه مردان از مال خود، نفقه زنان را می‌پردازند و بدین دلیل، مسلط بر زندگی آنها می‌شوند.

و این دو دلیل هم به صورت عام ذکر شده‌اند. ایشان معتقد است: به دلیل عمومیت، علت حکمی که مبتنی بر آن علت است (قیّم بودن مردان بر زنان) نیز عمومیت دارد و منحصر به شوهران نسبت به همسران نیست و چنان نیست که مردان تنها بر همسران خود قوامیت داشته باشند، بلکه حکمی برای نوع

مردان بر نوع زنان جعل شده است. 13

آیه‌الله گلپایگانی هم بر این معنا تأکید دارند و می‌فرمایند:
قوله تعالى، «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» فَانَّهُ ظَاهِرَةٌ فِي قِيَمَةِ الرِّجَالِ عَلَى
النِّسَاءِ وَ لِزِمَّهَا سُلْطَةُ الرِّجَالِ وَ حُكُومَتُهُمْ عَلَيْهِنَّ دُونَ الْعَكْسِ. 14

اما در مقابل، گروه دیگری از مفسران و فقها معتقدند: در این آیه، واژه «رجال» به معنای شوهران (ازواج) و واژه «نساء»، به معنای همسران است. بنابراین، مفاد آیه این می‌شود که شوهران تنها بر زنان خود حق سرپرستی دارند، 15 و این سلطه نیز فقط در محدوده رابطه خانوادگی است و مقصود برتری همه مردان بر همه زنان نیست که این قول را چند نکته تأیید می‌کند:

1. جمله «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ». این جمله می‌رساند که مقصود برتری همه مردان بر همه زنان نیست، وگرنه بایست می‌فرمود: بِمَا فَضَّلَهُمْ عَلَيْهِنَّ. 16

2. همچنین جمله «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» در آیه مورد بحث و آیاتی که ادامه آن آمده است، می‌رساند قرآن کریم درصدد بیان رابطه خاص میان زن و شوهر است؛ زیرا با توجه به قراین موجود در آیه، مراد از این عبارت هزینه‌هایی از قبیل مهریه و نفقه است.

آیه‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: اگر زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن، به عنوان دو صنف مطرح هستند، هرگز مرد قوام و قیّم زن نیست و زن هم در تحت قوامیت مرد نیست، بلکه قوامیت مربوط به موردی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد. قوام بودن در این مقام نیز نشانه کمال و تقرب الی الله نیست. 17

آیه‌الله حائری هم قوامیت مرد بر زن را ثابت نمی‌داند و می‌فرماید: به همین علت، برادر بر خواهر خود قوامیت ندارد و معتقد است: این قوامیت تنها در زندگی زناشویی وجود دارد که مرد ریاست خانواده را بر عهده دارد که علت آن هم دو چیز است:

الف. اینکه خانواده برای حفظ نظم خود، نیاز به یک مدیریت واحد دارد.
ب. مرد برای این ریاست اولویت دارد؛ زیرا قدرت او برای حل مشکلات بیشتر است و عقل او بر عاطفه‌اش غالب است. 18

3. علاوه بر اینها، ادامه آیه که می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّغَيْبِ» نیز مؤید این قول است و نشان می‌دهد که آیه مربوط به زندگی زناشویی است؛ زیرا این فراز از آیه نیز درباره ارتباط زوجین با هم است و نکاتی دیگر از روابط زناشویی را بیان می‌کند، از این‌رو، ابتدای آیه هم مربوط به زندگی

زناشویی است.

4. بر خلاف آنچه مرحوم علامه فرمودند که به دلیل عمومیت دلیل ذکر شده در آیه، سلطه مردان عام و مطلق است، به نظر می‌رسد اینکه خداوند این قوامیت را معلول این دو علت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ... وَ بِمَا أَنْفَقُوا» قرار داده، خود بیانگر آن است که این سلطه مخصوص همه مردان بر همه زنان نیست و تنها در جایی این قوامیت هست که این دو شرط باشد. این دو شرط نیز فقط در زندگی زناشویی وجود دارد.

5. نکته آخر اینکه در فقه اسلامی، همان‌گونه که پدر بر فرزندان خود ولایت دارد و آنان در برخی موارد، باید مطیع او باشند و کاری را که مورد اکراه اوست انجام ندهند، مادر نیز بر تمام فرزندان خود، چه دختر و چه پسر، ولایت دارد و فرزندان ذکور او هم نباید کاری کنند که موجب ناراحتی او می‌شود و او از آن کراهت دارد و عنوان «عاق والدین»، که در روایات به آن بسیار توجه شده، شامل پدر و مادر می‌شود. بنابراین، فرزندان باید امر و نهی پدر و مادر را بر خود محترم بشمارند و این خود نشان‌دهنده آن است که مادران هم بر فرزندان خود ولایت دارند، هرچند پسر باشند. از این‌رو، نمی‌توان مدعی شد که صنف مردان بر زنان به طور کل، دارای سلطه است.

بنابراین، با توجه به این آیه، جنس مردان بر زنان ولایتی ندارد، بلکه تنها شوهران بر زنان خود و آن هم در محدوده روابط خانوادگی و در امر مدیریت خانواده، حق سرپرستی دارند.

ب. مراد از واژه «قوامون»

طبق دیدگاه بسیاری از مفسران و فقها، قوامیت به معنای ولایت و سلطنت است. در این منابع، قوامیت مردان بر زنان به صاحب اختیار بودن و تسلط معنا شده است. در معنای کلمه «قوام» بین لغوی‌ها چند قول است:

1. مسلط بودن و صاحب اختیار بودن: راغب اصفهانی معتقد است: اگر موضوع قیام شخص باشد، قوام بودن یکی بر دیگری به این معناست که قوام اختیار امر دیگری را در دست دارد و دیگری مسخر اوست. ولی اگر موضوع قیام شیء باشد «مراعات و محافظت» معنا می‌دهد و البته وی آیه موردنظر را بر معنای اول تطبیق کرده است.¹⁹

ابن اثیر در النهاية فی غریب الحدیث همین قول را انتخاب کرده است.²⁰ در تاج العروس آمده که ابن اثیر گفته: «الْقَوْمُ» در اصل مصدر «قَامَ» است و سپس در استعمال، برای مردان (نسبت به زنان) غلبه پیدا کرد و مردان بدان

نامیده شدند؛ زیرا آنها «قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» هستند در اموری که اقامه و انجام آن در شأن زنان نیست. 21.
برخی نیز در بیان کسانی که بر مال غیر ولایت دارند، ازواج را هم ذکر کرده‌اند. بنابراین، معنای «قَوَّام بودن» را به معنای «صاحب اختیار بودن» دانسته‌اند. 22.
2. عهده‌دار بودن و مسئول بودن: در نظریه دیگر، گروهی از لغوی‌ها و مفسران، «قَوَّام» را به معنای مدیریت و یک مسئولیت صرفاً اجرایی دانسته‌اند و بر این اساس، مرد بر زن هیچ نوع ولایتی ندارد و قیمومت در آیه مورد بحث، به معنای این است که در روابط زناشویی، مرد در مقابل همسرش مسئول و مراقب است و باید نسبت به کارها و نیازهای وی قیام و اقدام نماید.
در لسان العرب آمده است:

عن ابن بَرِّی و قدیحی: القیام بمعنی المحافظة و الاصلاح.
سپس وی هم همین آیه مورد بحث را به عنوان شاهد بر این معنا ذکر کرده است و می‌گوید:

قَيِّمُ الْمَرْأَةِ یعنی: زوجُ المرأة.

زیرا مرد به زن و نیازمندی‌های او قائم است. 23.
او در جای دیگری می‌گوید: قَيِّمُ زَنِ شَوْهَرَشِ اسْت؛ چراکه مرد به احتیاجات زن خود قیام می‌کند و اینکه در قرآن عزیز فرموده است «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» به این معناست (و الله اعلم) که مردان متکفل نیازهای زنان و کمک‌کار آنها در نیازهایشان هستند. 24. پس در این قول، در عوض مسئولیتی که خداوند در زندگی بر عهده مرد قرار داده، حق تصمیم‌گیری در امور مربوط به زوجیت و زندگی هم به مرد موکول شده است.

آیه‌الله جوادی آملی نیز می‌گوید: قَوَّام بودن مربوط به مدیریت اجرایی است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ.» توانایی مرد در مسائل اجتماعی و شَمِّ اقتصادی و تلاش و کوشش برای تحصیل مال و تأمین نیازمندی‌های منزل و زندگی، بیشتر است. و چون مسئول تأمین هزینه مرد است، سرپرستی داخل منزل هم با مرد است. اما چنین نیست که از این سرپرستی بخواهد مزیتی به دست آورد و بگوید: چون من سرپرست هستم پس افضل هستم، بلکه این یک کار اجرایی است؛ وظیفه است، نه فضیلت... «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» اگرچه جمله خبری است، ولی روحش انشایی است؛ یعنی ای مردها! شما قَوَّام منزل باشید، سرپرست منزل باشید. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ» به این معنا نیست که زن اسیر مرد است و مرد قَوَّام، قیوم و

مدیر است و می‌تواند به دلخواه خود عمل کند. 25.

آنچه این قول را تأیید می‌کند دو چیز است:

اولاً، کلمه «قَوَام» و «قیام» در قرآن به همین معنا در دیگر آیات نیز آمده است.

در آیه 135 سوره نساء می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ؛ ای کسانی که ایمان

آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید.

و یا در آیه 8 سوره مائده آمده است:

«كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای

خدا به داد برخیزید و به عدالت گواهی دهید.

واژه «قَوَام»، از ماده «قَوَمَ» است و «قیام» در این دو آیه، به معنای ایستادن،

محافظت کردن و اصلاح است. در آیه 34 سوره نساء نیز به همین معناست؛

چنان‌که ابن منظور در لسان العرب این معنا را بیان کرده است. 26.

کلمه «قَوَام» در دو آیه اخیر، مبالغه در قیام و به معنای استمرار در آن است.

عَلَّامه طباطبائی در این‌باره می‌نویسد: «قیام» به قسط، به معنای عمل به قسط

و تحفظ بر آن است. پس مراد از «قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»، قَائِمِينَ به قسط است،

البته قَائِمینی که قیامشان به قسط تام و کامل‌ترین قیام باشد. پس مبالغه در

قیام به این معناست که شخص قَوَّام به قسط، کمال مراقبت را به خرج

دهد. 27.

ثانیا، در این آیه، واژه «قَوَّامُونَ» با حرف «علی» آمده است. ترکیب ماده «قیام»

با «علی» همیشه با نوعی نظارت و مراقبت و پی‌گیری و اعمال قدرت همراه

است. در قرآن، در یک جای دیگر هم «قیام» با «علی» آمده است که می‌تواند

شاهد و گواه این مطلب باشد. در آیه 75 سوره آل عمران می‌فرماید:

«مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا؛ از اهل کتاب

گروهی هستند که اگر امینش شمردی و دیناری به او سپردی، به مطالبه، آن را

باز نگرداند، مگر اینکه دائماً بر (سر) وی به پا ایستی.

در این آیه هم مسلماً مراد از «عَلَيْهِ قَائِمًا» ولایت و سلطه بر فرد نیست، بلکه

مراد نظارت و مراقبت و پی‌گیری همراه با اعمال قدرت است؛ چنان‌که ابن

منظور در لسان العرب همین معنا را از آیه فهمیده است؛ می‌گوید: «قیام» به

معنای محافظت و اصلاح است.

و منه قوله تعالى: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و قوله تعالى: «إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ

قَائِمًا»، ای ملازماً محافظاً. 28.

علاوه بر این، اگر قیام در این آیه به معنای ولایت داشتن و سرپرست بودن باشد، صحیح نخواهد بود؛ چراکه قرآن نمی‌گوید: در صورتی می‌توانی از اهل کتاب پول خود را پس بگیری که بر او ولایت داشته باشی و سرپرست او باشی! واضح است که این معنا مدّ نظر نیست، بلکه می‌فرماید: در صورتی می‌توانی پول خود را پس بگیری که پیوسته در طلب او باشی و ملازم و همراه او باشی و یا بر او مسلّط باشی. در برخی تفاسیر نیز همین معنا استفاده شده است.²⁹ بنابراین آنچه گذشت، با توجه به برخی قرائن در همین آیه و آیات دیگر قرآن، می‌توان گفت: قوّام بودن در آیه مورد بحث به معنای صاحب اختیار بودن و ولایت داشتن نیست، بلکه به معنای سرپرستی امور خانواده و برآوردن نیازهای آن و صرفاً یک وظیفه اجرایی است و محدوده آن هم فقط امور مربوط به خانواده است.

ج. مراد از «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ»

سومین واژه‌ای که باید در این آیه مورد بررسی قرار گیرد واژه «فَضَّلَ» در ترکیب «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» است. «باء» در ترکیب «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» و نیز در ترکیب «وَمَا أَنْفَقُوا» سببیه و متعلّق به واژه «قَوَّامُونَ» است و «ما» مصدریه. بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود:

«مردان سرپرست زن‌اند، به سبب اینکه خدا برخی از آنان (مردان) را بر برخی (زنان) برتری داده و بدان سبب که از مال‌های خویش هزینه می‌کنند.» اما بحث مهم در این قسمت، مفهوم «فَضَّلَ اللَّهُ» است و اینکه مراد از این برتری چیست.

مرحوم طبرسی گفته است: مراد برتری مردان در اموری از قبیل دانش، عقل، عزم و رأی نیکو است.³⁰

در مجمع‌البحرین این تفصیل در کمال عقل، حسن تدبیر، و نیرومندی در عمل دانسته شده است.³¹

زمخشری در تفسیر کشاف می‌نویسد: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» یعنی: مردان با امر و نهی خود، زنان را قیمومت و سرپرستی می‌کنند؛ چنان‌که حگام و زمام‌داران رعایا را، و از این‌رو، «قَوْمٌ» (جمع قوام: سیاست‌مدار و مدبّر) نامیده می‌شوند و عقل، حزم (دوراندیشی)، عزم (تصمیم قاطع)، نیروی جسمانی و سواد نوشتن در بیشتر موارد و سوارکاری و تیراندازی و اینکه انبیا و علما از مردانند و امامت کبرا و صغرا در بین ایشان است و جهاد و اذان و خطبه و مانند آن از اموری است که به واسطه آن، مردان بر زنان برتری یافته‌اند.³²

علاوه طباطبائی در المیزان، عقل و توانایی بدنی را فضل خدا می‌شمارد. 33
سید محمدحسین فضل‌الله آن را به جنبه عاطفی و قدرت بدنی تفسیر
می‌کند. 34

چنان‌که مشاهده می‌شود، در تفسیر «مَا فَضَّلَ اللَّهُ» بین مفسران اختلاف نظر
است. اما به طور کلی، این نکته مسلم است که در بین زن و مرد، تفاوت‌هایی
از لحاظ فیزیکی و روحی وجود دارد که قابل انکار نیست؛ مثلاً، گفته می‌شود:
مغز مردان از زنان بزرگ‌تر است و قلب آنها نیز حجیم‌تر از قلب زنان است.
اندام‌های مردان دارای رشد بیشتر بوده و مردان از سرعت بالاتری نسبت به
زنان برخوردارند. از لحاظ روحی نیز زنان دارای عواطف بیشتری نسبت به
مردان هستند. این مسائل مورد قبول همه است.

اما نکته مهم آن است که معلوم شود آیا این تفاوت‌ها منجر به تفاوت ماهوی
و ذاتی بین زن و مرد و برتری مردان بر زنان می‌شود یا آنکه این تفاوت‌ها تنها
به واسطه نقش‌های مختلفی است که زن و مرد در جامعه بر عهده دارند.

به نظر می‌رسد بر خلاف تصور برخی، نمی‌توان گفت: به طور کلی، مردان از
لحاظ میزان و قدرت تعقل و تصمیم‌گیری درست، بر زنان برتری دارند؛ چه آنکه
اولاً، در قرآن کریم، آنجا که بحث تعقل و تفکر مطرح است، خطابات قرآن به
صورت مشترک بین زن و مرد بیان شده و زن و مرد از این نظر متفاوت
نیستند. احکام و دستورات الهی و نیز تفکر در آیات و نشانه‌های خدا و تعقل و
درک عقاید و اصول دین اسلام، که همواره مورد توجه قرآن بوده، به صورت
مساوی به زن و مرد ابلاغ شده است و حتی از دیدگاه اسلام، زنان زودتر از
مردان شایستگی خطاب الهی و لیاقت دریافت فضایل الهی را پیدا می‌کنند.

به گفته آیه‌الله جوادی آملی، بلوغ مُشرف شدن است، نه مکلف شدن. بلوغ یک
شرافت است و اینکه زن - به هر دلیل - زودتر از مرد به این شرافت نایل
می‌شود، نوعی مزیت و برتری برای زن است. 35

علاوه بر این، در قرآن کریم، در مسائل خانوادگی نیز به زن نقش فعالی داده
شده و نظر او هم‌شأن با نظر مرد در حل و فصل اختلافات خانوادگی مدنظر
قرار گرفته شده است؛ چنان‌که در آیه 128 سوره نساء می‌فرماید:

«وَإِنْ امْرَأَةٌ حَاْفَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا
صُلْحًا.»

در این آیه، ضمائر تثنیه در «علیهما» و «یصلحا بینهما»، نشان‌دهنده آن است
که در رسیدن به تفاهم و سازش، تنها جلب نظر مرد مطرح نیست، بلکه زن هم

مانند مرد و به اندازه او، در رسیدن به سازش و تفاهم نقش دارد و در حل اختلافات خانوادگی، نظر او نیز مهم است. حتی در صورت صلح، باید صلحی که صورت می‌گیرد با توافق زن همراه و مورد قبول او باشد. در آیات قرآن، خود زن به طور مستقیم مخاطب قرار گرفته است تا در حل مشکلات خانواده، از رأی او هم بهره برده شود؛ چراکه قرآن به همان میزان که به مردها جایگاه و اهمیت داده، برای زن نیز اعتبار و ارزش قایل شده است.

بنابراین، به نظر می‌رسد که آنچه خداوند به مردان فضل نموده، عقل معاش و قدرت بدنی برای تحصیل مال و تأمین نیازمندی‌های منزل و اداره زندگی است. و چون مسئول تأمین هزینه مرد است، سرپرستی امور منزل هم با مرد است. وجود تفاوت در نظام خلقت بین زن و مرد نیز امری ضروری است؛ چون هریک از آنها نقش‌های متفاوتی در جامعه ایفا می‌کنند. وجود تفاوت بین افراد در شکل‌گیری نظام خانواده و در تشکیل جامعه نقش اساسی دارد. انسان‌ها به این دلیل که مکمل نیازهای هم هستند، با یکدیگر انس و الفت پیدا می‌کنند و این مکمل بودن، در پرتو تفاوت توانایی‌ها و استعدادهاست و به طور کلی، تفاوت توان و استعداد افراد در نظام خلقت، موجب می‌شود که هر فرد یا هر صنف در اجتماعات بشری، کار حاضر را به عهده بگیرد. در غیر این صورت، نظام هستی مختل می‌شد. اما وجود تفاوت و نقش خاص هر فرد یا صنف در جوامع انسانی، به این معنا نیست که نقش‌آفرینی یک گروه موجب می‌شود ولایت و سلطه مطلق بر گروه دیگری داشته باشند. به فرموده آیه‌الله جوادی آملی، قرآن کریم نیز علت تفاوت بین زن و مرد را این می‌داند که اگر همه در یک سطح از استعداد بودند، نظام هستی متلاشی می‌شد؛ چنان‌که می‌فرماید:

«وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا.» (زخرف: 32) 36

زنان در قرآن، در بسیاری از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و اعتقادی نیز هم‌پایه مردان مطرح شده‌اند. در کنار مردان مؤمن و صالح و مجاهدی که نامشان در قرآن به نیکی یاد شده، زنان صالح و مؤمنی هم نامشان آمده است که خداوند به خردمندی و عاقل بودن آنها تصریح نموده. زن فرعون نمونه‌ای روشن از این زنان است که با وجود آنکه در محیطی پر از ظلم و فساد همچون دربار فرعون زندگی می‌کرد، اما هرگز مقهور این محیط آلوده نشد و در ابتدای امر، با ظرافت و با برانگیختن عواطف و احساسات مرده فرعون، پیامبر خدا را از مرگ حتمی نجات داد و آن‌گاه که پیام وحی الهی را شنید، ایمان آورد و تا پای جان هم بر ایمان خود استوار بود.

«وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا إِمْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: 11)

و این در حالی است که فرعون در قرآن، با بدترین صفات معرفی شده و در لجاجت، غرور و خودخواهی، و خودبزرگ‌بینی، ضرب‌المثل انسان‌ها شده است و نور ایمان هرگز نتوانست قلب او را روشن کند.

و یا چنان‌که در قرآن داستان ملکه سبا و برخورد او با حضرت سلیمان علیه‌السلام مطرح شده است، قرآن بلقیس را دوران‌دیش، عاقل، واقع‌نگر و پیرو و خواهان حق و حقیقت معرفی می‌کند. مقایسه عملکرد بلقیس به عنوان یک پادشاه و برخورد او با نامه حضرت سلیمان علیه‌السلام، با برخورد خسرو پرویز پادشاه ایران، نسبت به نامه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، نشان می‌دهد که همیشه نمی‌توان حکم کرد که مردان در اداره امور جامعه خود بهتر از زنان عمل خواهند کرد. قرآن بیان می‌کند که وقتی بلقیس نامه حضرت سلیمان علیه‌السلام را دریافت کرد، از آن با احترام یاد نمود:

«قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ» (نمل: 29)

و سپس درباره برخورد با حضرت سلیمان علیه‌السلام با بزرگان قوم خود مشورت کرد که این نشان‌دهنده حسن تدبیر و مدیریت صحیح او بر کشورش است که برخلاف دیگر پادشاهان، مستبدانه و مغرورانه تصمیم‌گیری نکرد و با اینکه یاران او، که کاملاً به او وفادار بودند، با اتکا به قدرت نظامی‌شان به او پیشنهاد جنگ دادند، اما او با دوران‌دیشی، جنگ را رد نمود و گفت:

«إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً» (نمل: 34)؛

پادشاهان چون به دیاری حمله آرند آن کشور را ویران سازند و عزیزترین اشخاص مملکت را ذلیل‌ترین افراد گردانند.

و در نهایت، وقتی وی به دربار حضرت سلیمان علیه‌السلام آمد و شکوه و عظمت حکومت حق را مشاهده کرد و با دربار خود مقایسه نمود، حقیقت بر او روشن شد و متوجه گردید که قدرت او در مقابل قدرت خداوند ناچیز است، به سرعت ایمان آورد و از گذشته و افکار و عقاید خود، با تعبیر «ظلم بر نفس خود» یاد کرد.

«قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل: 44)

مقایسه عملکرد این زن با خسرو پرویز، که در ابتدا فرستاده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را تحقیر کرد و بعد هم نامه ایشان را پاره نمود و مغرورانه دستور داد که سربازانش برای دست‌گیری و قتل پیامبر اقدام کنند، نشان

می‌دهد که عقل و درایت مردان حتی در حکومت‌داری، همیشه بیش از زنان نیست.

آیه‌الله جوادی آملی می‌فرماید: اگر کسی معیار فضیلت را در مسائل مادی و پست و مقام خلاصه کند، باید در اصل تفکر و ارزیابی خود تجدیدنظر کند. آن نظام که مسائل را از محور طبیعت و ماده می‌نگرد، کسی را که دارای میز بزرگ‌تر، سمت برتر، و حقوق و مزایای بیشتری است، افضل می‌داند. اما اسلام به این‌گونه امور بها نمی‌دهد و می‌گوید: عظمت انسان به جان آدم است و چیزی که خارج از جان آدم است فقط ابزار اجرایی است.³⁷

د. مراد از واژه «بعضهم علی بعض»

ترکیب مذکور را غالب مفسران این‌گونه معنا کرده‌اند که: مراد برتری مردان بر زنان است. یعنی خداوند بعضی از مردم را بر بعض دیگر از مردم برتری و امتیاز داده که در این آیه، مراد امتیاز و برتری مردان بر زنان در سرپرستی خانواده است.

در اینکه چرا خداوند این‌گونه تعبیر فرموده، اقوال مفسران متفاوت است. برخی می‌گویند: خدا به این دلیل چنین تعبیر آورده است که نشان دهد زن و مرد هر دو از جنس واحدند و با تفاوت در فضایل و امتیازات، جنس آنها متفاوت نمی‌شود.³⁸

مرحوم مغنیه گفته است: این تعبیر به این دلیل آمده که ممکن است در میان زنان، زنی با فضیلت‌تر از هزاران مرد یافت شود. از این‌رو، با واژه «بعض» مطلب ادا شده است.³⁹

بنابراین، فضیلت و برتری مختص مردان نخواهد بود و زنان هم می‌توانند با داشتن علم و توانایی، بیش از مردان در یک زمینه خاص برتری داشته باشند.

محدوده سرپرستی مردان

حال که مشخص شد مردان سرپرست خانواده‌اند، باید بررسی کرد که این سرپرستی محدوده‌اش تا کجاست؟ و آیا این ریاست برای مرد همیشگی است یا نه؟

در این مسئله نیز دیدگاه‌های گوناگونی میان مفسران وجود دارد. برخی محدوده آن را تدبیر زندگی و پرورش و تعلیم و آموزش می‌دانند.⁴⁰ برخی هم

آن را مطلق ندانسته و مانند سایر ولایت‌های شرعی، تابع مصالح می‌دانند.⁴¹

مرحوم مغنیه در این‌باره می‌نویسد: فقها محدوده ولایت را طلاق، فراش و خروج از منزل دانسته‌اند.⁴²

سید محمّدحسین فضل‌الله محدوده آن را نیازهای جنسی و امور زناشویی می‌داند، و کارهای خانه بر عهده زنان نیست. 43

می‌توان گفت: با توجه به وجود یک قرینه در خود آیه، محدوده این سرپرستی در «امور زناشویی و خانوادگی» است؛ زیرا در آیه مورد بحث، «نشوز» و اطاعت زنان با حرف فاء بر قوامیت متفزع گردیده و زنان به دو گروه «صالحات قانتات، حافظات للغیب» و گروه «اللاتی تخافون نشوزهن» تقسیم شده‌اند. «نشوز» به معنای سرباز زدن از واجبات است و فقیهان آن را به استمتاع و مسائل مربوط به آن برمی‌گردانند. از این‌رو، صاحب جواهر از بعضی نقل می‌کند که بی‌حیایی زن نشوز نیست، اگرچه گناه و معصیت است. و نیز انجام کارهای منزل و برآوردن خواسته‌های مرد، که در استمتاع نقصی ایجاد نمی‌کند، بر زن واجب نیست. 44

پس اگر «نشوز» به تخلف از حقوق زناشویی و خانواده برمی‌گردد، در مقابل آن، اطاعت از همسر هم مربوط به امور خانوادگی است، و این مطلب بر قوامیت مردان بر زنان مترتب شده است. با وجود این احتمال و قرینه داخلی در آیه، اطلاقی برای آیه منعقد نخواهد شد. اما درباره اطلاق ریاست مرد، باید گفت - چنان‌که بیان شد - حکمت ریاست مرد بر خانواده طبق آیه مورد بحث، فضیلتی است که در مردان وجود دارد و آن فضیلت، توان جسمی بیشتر در مردان و عقل معاش و قدرت و شَم اقتصادی افزون در آنان است. علاوه بر این، برخی حالات زنان همچون قاعدگی و یا برخی وظایف طبیعی آنان همچون حاملگی و شیر دادن بچه موجد نوعی ناتوانی در آنها می‌شود و - چنان‌که بیان شد - تمام فضایل مردان قدرت‌هایی است که به آنها عطا شده تا وظیفه «انفاق» و «سرپرستی» خانواده را به شکل بهتر انجام دهند.

جمع‌بندی

از آنچه گذشت، معلوم می‌شود که ریاست مرد بر خانواده می‌تواند در موارد خاص تغییر کند؛ چراکه این ریاست بر فضیلت عقلی و اخلاقی و نیز قدرت بر انفاق مرد مبتنی شده است و در این مسئله، رجولیت و مرد بودن دخالتی ندارد. در برخی موارد، زنان هم می‌توانند این نقش را بر عهده بگیرند؛ چنان‌که قیمومت اطفال صغار در موارد خاص، از سوی حاکم شرع به مادر واگذار می‌شود و او عهده‌دار امور فرزندان خود می‌گردد. همچنین معلوم می‌شود قوامیت مردان به معنای صاحب اختیار بودن آنان نیست.

بنابراین، اصل ریاست مرد بر خانواده پذیرفته شده است، ولی محدوده این

ریاست فقط مسائل مربوط به خانواده است و مرد قیّم و صاحب اختیار تام زن نیست. صحت انتخاب مرد به عنوان سرپرست و مدیر خانواده برتری‌های جسمانی و عقل اقتصادی مرد است که به او قدرت انفاق می‌دهد، ولی این ریاست مطلق نیست.

پی‌نوشت‌ها

1- در این خصوص، علاوه بر این آیه، روایات متعددی نیز وجود دارد که بحث آنها در جای خود مفید است، اما نگاه این مقاله به این آیه است؛ چون در پی بازشناسی دیدگاه قرآن در این خصوص است. علاوه بر این، مبنای ریاست مرد بر خانواده در حقوق مدنی بیشتر بر اساس آیه است تا بر روایت؛ چنان‌که در منابع حقوقی هم به این آیه اشاره شده است. ر.ک. سیدحسین صفایی، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، 1374، ص 163.

2- برای مثال، به چند پایگاه اطلاع‌رسانی و نشریه اینترنتی نک. 1. رهایی زنان www.rahai-zan.com؛ 2. تریبون فمینیستی ایران (www.irane-ayandeh.com)؛ 3. سازمان آزادی زنان (www.azadizan.no-ip.com)؛ 4. مجله آوای زنان؛ 5. مجله آئینه زنان؛ 6. نادى الفكر العربى (www.nadyelfikr.net/Today.html)؛ 7. مركز الكلمة المسيحى (www.Serant13.net/html)؛ 8. افرادی همچون مهرانگیز کار و نیلوفر بیضایی.

3- فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، بیروت، دارالمعرفة، 1408، ج 5، ص 134.

4- سید محمدحسین طباطبائی، میزان، ترجمه محمّدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، 1363، ج 4، ص 552.

5- وهبه زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، چ سوم، بیروت، دارالفکر، 1400، ص 327.

6- ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج 4، ص 547 / شیخ طوسی، تفسیر تبیان، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، 1409، ج 3، ص 189 / فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، انتشارات فراهانی، 1352، ج 5، ص 135 / ابوالفتح رازی، روض‌الجنان، چ مظفری، ج 1، ص 760-761 / مولی محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، قم، الهادی، ج 1، ص 448 / جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، تهران، چ افسر، ج 2، ص 151 / فخرالدین رازی، مفاتیح‌الغیب،

چ عثمانیه، ج 3، ص 316 / سید محمود آلوسی، روح المعانی، بیروت، دارالترتیب العربی، ج 5، ص 220-230 / فخرالدین طریحی، تفسیر غریب القرآن، قم، زاهدی، ص 518.

7- سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج 4، ص 547.

8- ر.ک. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، دارالهدی، 1378، ص 391 / سید محمدحسین فضل‌الله، من وحی القرآن، چ بیروت، ج 3، ص 160 / سید کاظم حائری، القضاء فی فقه الاسلامی، قم، باقری، 1415، ص 76 / محمدتقی جعفری، تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص 274 / جمال محمد فقهی رسول، زن در اندیشه اسلامی، ترجمه محمود ابراهیمی، ناشر احسان، 1384، ص 143. افراد مزبور قایل به این قول هستند که در ادامه به اقوال آنها اشاره می‌شود.

9- جمال محمد فقهی رسول، پیشین، ص 143.

10- محمدتقی جعفری، پیشین، ص 274.

11- شیخ طوسی، پیشین، ج 3، ص 183.

12- اگرچه احتمال دارد که کلام مرحوم طبرسی به معنای برتری شوهران بر زنان باشد، نه مردان بر زنان، اما با توجه به تصریح ایشان که می‌فرماید خداوند سرپرستی زنان را به مردان محوّل کرده با استشهاد به همین آیه و علت این امر را هم برتری عقلی مردان بر زنان می‌داند و بیان می‌دارد که مردان سرپرست زندگی و تربیت و تعلیم و مسلّط بر زنان هستند، بسیار بعید است که مراد ایشان تنها برتری شوهران بر زنان باشد؛ چراکه شوهر مسئول تعلیم و تربیت همسر خود نیست. (ر.ک. فضل‌بن حسن طبرسی، پیشین، ج 5، ص 135).

13- سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج 4، ص 343.

14- سید محمدرضا موسوی گلپایگانی، کتاب القضاء، دارالقرآن الکریم، ج 1، ص 44.

15- به برخی از قایلان این قول به اجمال در پی‌نوشت 8 اشاره شد.

16- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1367، ج 3، ص 564.

17- عبدالله جوادی آملی، پیشین، ص 391.

18- سیدکاظم حائری، پیشین، ص 76.

19- راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، تهران، نشر الکتاب، 1404، ص

- 20_ ابن اثير، النهاية فى غريب الحديث، ج 4، ص 124.
- 21_ محمّد مرتضى زبيدى، تاج العروس، ثقافة الاسلاميه، ج 3، ص 564.
- 22_ مير عبدالفتاح حسيني مراغى، العناوين الفقيهيه، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، 1417، ج 1، ص 557.
- 23_ ابن منظور، لسان العرب، بيروت، دارالتراث، ج 12، ص 497.
- 24_ همان، ج 12، ص 502.
- 25_ عبدالله جوادى آملی، پيشين، ص 392.
- 26_ ابن منظور، لسان العرب، ج 12، ص 497.
- 27_ سيد محمّدحسين طباطبائى، پيشين، ج 5، ص 176.
- 28_ ابن منظور، پيشين، ج 12، ص 497.
- 29_ ر.ك. فضل بن حسن طبرسى، پيشين، ج 4، ص 130 / ناصر مكارم شيرازى و ديگران، تفسير نمونه، نشر دارالكتب الاسلاميه، ج 3، ص 473 / ابوالفتوح رازى، پيشين، ج 4، ص 388 / سيد محمّدحسين طباطبائى، الميزان، ج 3، ص 388 / شيخ طوسى، پيشين، ج 2، ص 503.
- 30_ فضل بن حسن طبرسى، پيشين، ج 5، ص 38.
- 31_ فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، ج 5، ص 23.
- 32_ محمودبن عمر زمخشري، كشّاف، مصر، ص 204-205.
- 33_ سيد محمّدحسين طباطبائى، پيشين، ج 4، ص 543.
- 34_ سيد محمّدحسين فضل الله، پيشين، ج 3، ص 160.
- 35_ عبدالله جوادى آملی، پيشين، ص 379.
- 36_ همان، ص 389.
- 37_ همان، ص 393.
- 38_ سيد محمّدحسين تهرانى، رساله بديعه، منشورات الحكمة، ص 42.
- 39_ محمّدجواد مغنيه، الكاشف، ج 2، ص 315.
- 40_ فضل بن حسن طبرسى، پيشين، ج 3، ص 169.
- 41_ محمّد صادقى، الفرقان فى تفسيرالقرآن، ج 7، ص 41.
- 42_ محمّدجواد مغنيه، پيشين، ج 2، ص 315.
- 43_ سيد محمّدحسين فضل الله، پيشين، ج 3، ص 165.
- 44_ محمّدحسن نجفى، جواهرالكلام، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ج 31، ص 201.